

چگونگی مشارکت زنان در تشکل‌های اقتصادی اجتماعی روستایی استان گلستان

علی اشرف حامدی - کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران

چکیده

موضوع مورد بررسی این تحقیق مشارکت زنان در تشکل‌های اقتصادی، اجتماعی است در این بررسی در پی آن بوده‌ایم که در یابیم مشارکت زنان در تشکل‌های اقتصادی، اجتماعی معلول چه عوامل و ملاک‌هایی می‌باشد، همان‌طور که می‌دانیم موضوع مشارکت یعنی متشکل شدن مردم در گروه، دسته و سازمان اجتماعی و تصمیم‌گیری و دخالت در امور جامعه به نحوی که هر یک از اعضا دارای رأی و نظری برابر و هم‌تراز با دیگران باشد. به عبارتی دیگر تمام اعضا در موقعیت‌های برابر از نظر ارائه دیدگاه و نظر باشند و پیوند و ارتباط متقابل بین اعضا وجود داشته باشد کسی بر کسی برتری نداشته باشد و متعاقب آن نظری بر نظر یا نظرات دیگر ارجحیت نداشته باشد. لذا مسأله مشارکت مسأله گسترده و وسیعی می‌باشد و بسته به آن که این مفهوم را برای چه و در کجا بکار ببریم، دامنه کاربرد آن متفاوت می‌باشد. برای مثال مشارکت افراد برای دستیابی به اهداف مادی و غیرمادی که در اینجا از مشارکت به عنوان یک ابزار و وسیله‌ای برای ارتقاء و بهبود شرایط استفاده می‌شود، مشارکت افراد در امور مختلف جامعه از آن روی که عضوی از آن هستند و احساس تعهد و وظیفه از شرکت در آن و پذیرش مسئولیت دارند. به طور کلی مشارکت چندین مرحله را پشت سر گذاشته و با جریان‌های پیاپی گوناگون در ارتباط است که می‌توان آنها را به صورت زیر بیان کرد مشارکت اجتماعی اولیه که بیشتر به گفتگو با مردم مشهور است مشارکت اجتماعی رفتارگرایانه و شرعی، که نوعی از مشارکت اجتماعی است که با فنون اجتماعی روانشناختی و رسانه‌های آموزشی انجام می‌شود، مشارکت اجتماعی انسجام‌گرا که در شکل اتحادیه‌ها و انجمن‌ها تحقق می‌یابد، مشارکت اجتماعی برای توسعه، مشارکت اجتماعی سنتی در قالب خانواده، عشیره، قبیله، ایل و محله برای تحقق هدف‌های جمعی بی‌شمار، مشارکت اقتصادی گوناگون چه سنتی و مدرن در جهت تحقق فرایند تولید و رفع نیاز، مشارکت اقتصادی در قالب تعاونی‌ها و مشارکت‌های اقتصادی، اجتماعی و بالاخره مشارکت به عنوان یک فرایند اجتماعی، عام، جامع، چندجانبی، چندبعدی و چندفرهنگی که سعی دارد همه گروه‌های مردم را در همه‌ی مراحل توسعه شرکت دهد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، مشارکت زنان، تشکل‌های اقتصادی اجتماعی، زنان روستایی استان گلستان

مقدمه

امروزه نقش تعیین‌کننده نیروی انسانی در توسعه یافتگی کشورها بر کسی پوشیده نیست، از میان عوامل تولید برای رشد و توسعه یعنی منابع طبیعی و ثروت خدادادی، نیروی انسانی، سرمایه، مدیریت و تکنولوژی، این نیروی انسانی است که سهم اصلی را برعهده دارد. تحولات چشمگیر در دو دهه اخیر در جهان باعث گردیده که کاهش نابرابری‌های جنسیتی جزء جدایی‌ناپذیر فرایند توسعه گردد و یکی از مهم‌ترین این تحولات، تغییر در دیدگاه نسبت به زنان در این فرایند می‌باشد. در سال‌های اخیر بحث‌های فراوانی پیرامون ضرورت حضور زنان در جامعه مطرح است. در کشور ما در سال‌های پس از انقلاب حضور زنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی پر رنگ‌تر شده است. درخواست اشتغال به کار در خارج از خانه به موازات افزایش رویکرد آنان به تحصیلات دانشگاهی، واقعیت وجودی خود را نشان داده و بر این اساس انتظار می‌رود که این تقاضا بازتابی قابل قبول در برنامه‌ریزی کلان کشور داشته باشد. علاوه بر موارد ذکر شده، امروزه اغلب صاحب‌نظران مسائل اجتماعی و سیاست‌مداران بر این عقیده‌اند که اساساً توسعه بدون مشارکت آحاد مردم عملی و میسر نخواهد بود. به همین دلیل میزان مشارکت افراد اعم از زنان و مردان در تصمیم‌گیری‌ها یک معیار اساسی در توسعه جامعه و میزان دموکراسی حاکم بر هر کشور محسوب می‌گردد در این میان با توجه به اهمیت مسأله اشتغال و نیز جلب مشارکت‌های مردمی در جهت رسیدن به اهداف توسعه، شرکت‌های تعاونی زنان را می‌توان از جمله تشکل‌های مردمی دانست که امکان یکپارچه‌کردن منابع انسانی، تجمیع سرمایه‌های کوچک، ایجاد اشتغال با شرایط سهل و آسان و در نتیجه بالا بردن توان اقتصادی زنان و جلب مشارکت فعال این افراد را فراهم می‌نماید. زنان با حضور در تشکل‌ها علاوه بر برخورداری از مزایای اقتصادی، فرصت کسب تجربه در زمینه رهبری و مدیریت و همچنین شکستن حصارهای جدایی آنان از نیمه دیگر جامعه را به دست می‌آورند فعالیت در گروه‌های کاری زنان به آنها کمک می‌کند تا حس خودباوری را که پیش‌نیاز مشارکت است به دست آورند، همچنین با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند بدون شک تشکل‌های زنان بستر مناسبی است که به دور از تبعیض و با رعایت برابری اعضا و در پرتو فرهنگ مشارکت عمومی برای اشتغال شایسته زنان تشکیل می‌شود و از طریق این تشکل‌ها مشارکت فعال‌تر آنان در فعالیت‌های توسعه اجتماعی اقتصادی و فرهنگی فراهم شده و تحقق عدالت اجتماعی سرعت می‌یابد.



مشارکت زنان در تشکل‌ها و تعاونی‌های روستایی

هدف زنان روستایی در پیوستن به تشکل‌ها، افزایش درآمد، گرفتن وام برای تحقق فعالیت‌های شغلی است. تا بتوانند در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت جویند و استاندارد زندگی خویش را بالا ببرند. تعاونی‌ها و تشکل‌ها فرصت‌هایی به آنان داده است تا معلومات خود را افزایش دهند. تعاونی‌ها نه تنها زنان را یاری می‌دهد تا فعالیت اقتصادی خود را حفظ کنند و توسعه بخشند و هزینه‌ها را کاهش دهند بلکه برایشان کمک می‌رساند که در زمینه‌های آموزش و خرید خانه و بالا بردن شرایط زندگی توفیق یابند.

در اروپا و آفریقای شمالی زنان پایه پای مردان با تشکل‌ها همکاری دارند. در آفریقا مشارکت زنان در تعاونی‌های مختلف به دلیل موانع فرهنگی و قانونی از جمله عدم مالکیت زمین و عدم دسترسی به امتیازات اعتباری و غیره در سطح پایین‌تر قرار دارد. لذا برای حل این مشکل، تعاونی‌های مختص بانوان تأسیس شده است و در آنها برای زنانی که فاقد سرمایه تولیدی می‌باشند امتیاز تأسیس شرکت‌های تعاونی صادر شده است. در این تعاونی‌ها آنان خودگرداننده و مالک هستند و بدین ترتیب اکثر تعاونی‌های کوچک را زنان برای افزایش درآمد خود ایجاد کرده‌اند. تجربه میدانی نشان می‌دهد که فقیران مناطق روستایی ندرتاً به تشکل‌ها می‌پیوندند و نیز به ندرت در تصمیم‌گیری در مورد رفاه و زندگی خود مشارکت می‌کنند. مانند اتیوپی و یمن جنوبی سابق که اقدام‌هایی در جهت مشارکت این گروه‌ها در فعالیت‌های مربوط به توسعه انجام داده‌اند. اما پیشرفت چشمگیر و مورد انتظار حاصل نشده است برای مثال در سال ۱۹۸۸ در حدود ۳۶ تا ۵۰ درصد خانوارهای مناطق روستایی اتیوپی در انجمن‌های دهقانی عضویت نداشتند و تنها ۱۰ درصد زنان عضو این انجمن‌ها بودند و ۷ درصد آنان از خدمات تعاونی‌ها برخوردار شدند کشاورزان و ماهیگیران مستقل یمن جنوبی سابق کلاً عضو تعاونی‌ها نبودند و تنها ۳۵ تا ۴۰ درصد کشاورزان خرده‌پا عضویت تعاونی‌ها را داشتند کمبود مشارکت کشاورزان در نهادهای جمعی روستایی را می‌توان ناشی از هزینه‌های خدماتی دانست که گاهی شامل ۲۵ تا ۳۰ درصد محصول می‌شود. از طرف دیگر نهادهای تعاونی غالباً تحت سلطه افراد متنفذ روستاها قرار می‌گیرد در کشور نپال تنها ۵ درصد اعضا را تشکیل می‌دهند و ۱۲ درصد کشاورزان خرده‌پا در برنامه‌های تحت نظارت بانک توسعه کشاورزی مشارکت دارند در کشورهای جنوب آسیا و اندونزی اعضای رهبری تعاونی‌ها غالباً تحت نفوذ افراد سرشناس مناطق روستایی هستند.

میزان رسمی سازی و خاستگاه شرکت‌های تعاونی که اعضاء یا دولت آنها را تأسیس کرده‌اند عوامل اصلی شدت و ضعف مشارکت زنان می‌باشند. اکثر تعاونی‌های سنتی در فهرست اعضاء خود پایین‌ترین تعداد زنان عضو دارند و ساختار مدیریتی آنها به طور کلی امکان حضور فعال زنان را در تصمیم‌گیری‌ها نمی‌دهد.

علی‌رغم اصلاحات مردمی تعدیل ساختاری و مواضع جدید دولت‌ها در تضعیف سیستم مداخله دولت در امور اقتصادی هنوز در چندین کشور تعاونی‌ها با نظارت دولت اداره می‌شوند.

در نتیجه پیوستن به تعاونی‌های مختلط رسمی یا هواداری از آنها یا ثبت قانونی گروه زنان بیش از آنکه مزیتی داشته باشد، ضرر و زیان در بر دارد. بعضی از سیاست‌های جدید کشورها همچون توسعه روستایی بر اهمیت سازمان‌هایی که با خود یاری اداره می‌شوند تأکید دارند. آژانس‌های دولتی اغلب مسئله ایجاد گروه‌های غیر رسمی را ترویج می‌دهند تا عملاً سیاست‌های خود را پیاده‌کنند از این رو بسیاری از آنان حتی در شکل غیر رسمی خود به طور واقعی پاسخگوی نیازهای اعضا نبوده‌اند.

با این وجود این مسئله عمومیت دارد که حرکت‌های مردمی در قالب گروه‌های خودگردان غیر رسمی نسبت به تعاونی‌های رسمی بیشتر در کار خود موفق هستند. این موفقیت از عواملی چون حجم سازمان، ساختار آزاد آنان و انگیزه اعضا و دیگر مسائل ناشی می‌شود. اما حتی در گروه‌های غیر رسمی نیز زنان الزاماً به سطح مدیریت راه نمی‌یابند. حتی اگر مشارکت آنان در مقایسه با تعاونی‌های سنتی در حد قابل ملاحظه‌ای باشد، در مناطق روستایی بسیاری از سازمان‌های خودگردان جدید التأسیس بر اساس انجمن‌های سنتی روستایی گروه‌های سالمندان گروه‌های کارگری و غیره شکل می‌گیرند که طبق قانون مدون، غیر رسمی محسوب می‌شوند اما در عین حال شدیداً به سلسله مراتب وابسته هستند. رهبران سنتی به طور متعارف اعمال نفوذ می‌کنند و زنان و غالباً جوانان رسماً در تصمیم‌گیری شرکت ندارند.

این واقعیت نشان می‌دهد که تشکل‌های روستایی غالباً بر اساس منتهای تقسیم کار اجتماعی بین زنان و مردان روستایی بنیاد گردیده است. این سنت‌ها که البته عمیق و ریشه‌دار است توجه زنان روستایی را از تلاش در جهت مشارکت تعاونی‌های کشاورزی به کارهای زراعی منحرف می‌سازد. در این زمینه از زبان خود زنان می‌شنویم: زنان در زمینه کشف استعدادها و توانایی‌های لازم به ابتکارات بیشتری نیاز دارند تا بتوانند با تشکیل تعاونی‌های جدید به فعالیت‌هایی مانند صنایع دستی پرورش طیور و تولید پوشاک اقدام نمایند.

بسیاری از تعاونی‌های کشاورزی رسمی همچنان بر نظام تک محصولی و بازارهای صادراتی متمرکز هستند در حالی که زنان بسیاری مناطق عمدتاً درگیر مواد غذایی می‌باشند در نتیجه عضویت زنان هنوز جنبه بهره‌برداری اقتصادی برای تعاونی‌ها ندارد و بدیهی است که هیچ‌گونه خدماتی که پاسخگویی نیازهای کشاورزان زن باشد نیز ارائه نمی‌گردد.

در بسیاری از مناطق، تعاونی‌ها با تشکل مردان اساساً تولید محصول قابل مبادله با پول را افزایش می‌دهند و در همان حال تولیدات بدون عایدی همچون بعضی مواد غذایی و محصولات کم دوام را از فهرست تولیدات خود خارج می‌کنند. در نتیجه زنان اغلب به تنهایی بار مسئولیت تولید محصولات غذایی را به دوش می‌کشند در حالی که مردان نیروی خود را در اقتصاد پولی منسجم می‌کنند پیامد این مسئله تضعیف قدرت تصمیم‌گیری زنان در عرصه‌های اقتصادی است. به همین منوال تعاونی‌ها نیز بر حساسیت مسئله تفکیک کار مردان و زنان و نقش زنان در روند تولید افزوده‌اند. البته هم در تعاونی‌های صرفاً زنانه و هم در تعاونی‌های مختلط، مسائلی وجود دارند که قابل ملاحظه است. تحولات مشارکت زنان روستایی از سال

۱۳۰۰ شمسی تاکنون را به سه حوزه می‌توان تقسیم نمود که شامل: ۱- قبل از اصلاحات ارضی که نظام اربابی بر روستاها حاکم بود. ۲- بعد از اصلاحات ارضی یعنی از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ یعنی زمان پیروزی انقلاب اسلامی ۳- بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در قبل از اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ طبق قوانین عرفی موجود در ایران زنان از دسترسی به زمین‌های کشاورزی دور نگهداشته شده بودند و کشاورزانی که مزارع بزرگ در اختیار داشتند از نیروی کار اعضای خانواده استفاده می‌کردند و زن خانواده در این میان دارای مسئولیت و کار بیشتری بود چرا که از یک طرف باید به امور خانه‌داری و پخت و پز نان، نگهداری از دام‌ها و طیور دوشیدن شیر و تهیه فرآورده‌های لبنی از آن می‌پرداختند و هم در مورد زراعت به همسرانشان کمک می‌کردند و اگر مقدار زمین در اختیارشان کم بود به کار در مزارع دیگران نیز می‌پرداختند. پس از اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ نظام ارباب رعیتی از میان برداشته شد اما در مقابل اراضی گسترده‌ای که با استفاده از تکنولوژی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت تقسیم نشد ولی کشاورزان در فضای نسبتاً مساعد تری می‌توانستند به کار پردازند چرا که حداقل دیگر مجبور به دادن مالیات به ارباب و اطاعت از دستورات او نبودند در این دوره نیز به زنان که بخش اعظم نیروی کار کشاورزی را تشکیل می‌دادند زمین واگذار نشد اما بر روی نقش زنان در کار کشاورزی تأثیر گذاشت در زمین‌های دهقانی خرد، زنان در خارج از مزرعه خانوادگی مشغول به کار می‌شدند در نظام‌های بهره‌برداری سرمایه‌داری، از کار زنان به عنوان نیروی کار ارزان در مزارع استفاده می‌شد به طور کلی اصلاحات ارضی باعث شد تا از نیروی کار زنان به صورت حاشیه‌ای استفاده شود. پس از انقلاب اسلامی تحولات بسیار مهمی در بخش کشاورزی رخ داد که طبعاً به تغییر جایگاه زنان روستایی منجر شد، اهمیت یافتن تولید کشاورزی و دامی بر اهمیت نقش زنان افزود. در کنار این امر بسیج سیاسی آحاد مردم از جمله زنان طبقات پایین و روستاییان به طور طبیعی آگاهی آنان نسبت به موقعیت و جایگاه خود را افزایش داد. پس از انقلاب مطالعات موجود در زمینه مشارکت زنان را به دو دسته می‌توان تقسیم نمود: دسته اول شامل مطالعات کلی و موردی درباره اشکال و صور سنتی مشارکت و همیاری زنان روستایی است این بررسی‌ها عمدتاً بر اساس اسناد و مدارک موجود تاریخی در زمینه انواع مشارکت و همیاری سنتی زنان در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگ انجام گرفته است، دسته دوم بررسی‌ها و پژوهش‌های موجود در زمینه زنان است که بیشتر مجموعه گزارش‌ها و مطالعات و پایان‌نامه‌هایی می‌باشند که در مناطق مختلف کشور تهیه و تدوین گردیده‌اند این بررسی‌ها نیز به علت محدود بودن حوزه مورد بررسی و عدم جامعیت موضوع مورد بررسی چندان مفید تلقی نمی‌گردد.

تعریف مشارکت

از مشارکت تعاریف مختلفی به عمل آمده است، مشارکت از نظر لغوی از ریشه‌ی لاتین

participate به معنای با خود داشتن از نفس خویش چیزی از غیر داشتن. سهمی در چیزی غیر از خود داشتن به کار رفته است. مشارکت را در فارسی به معنای انبازی، دخالت، اصل علاقمندی و توجه کارکنان یک مؤسسه اقتصادی به حیات و فعالیت آن نیز تعریف کرده‌اند. با عنایت به تعریف فوق، مشارکت زنان با توجه به اینکه نیمی از منابع انسانی را تشکیل می‌دهند. حائز اهمیت مضاعف می‌گردد مشارکت زنان در صحنه اجتماع به چند طریق نمود می‌یابد:

۱- مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی و به دست آوردن مشاغل ۲- مشارکت اجتماعی و شرکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه و یا تشکل‌های زنان و دفاع از حقوق آنان، اما عمده‌ترین نقش‌هایی که زنان در توسعه جوامع به عهده دارند عبارت است از هم‌آوری (تولید مثل) نگهداری و پرورش نیروی انسانی، تولید و مدیریت محل زندگی خود.

نگاهی به برخی مشارکت نیروی کار روستایی نسبت به مردان در کشورهای آسیایی بیانگر عدم برابری مشارکت زنان و مردان می‌باشد. به طور مثال در بخش روستایی هند نرخ مشارکت نیروی کار زنان به مردان برای همه‌ی سنین ۳۰ درصد و در بخش شهری فقط ۱۶ درصد است یک تحلیل آماری بر زنان بنگلادش، هند و پاکستان به این نتیجه رسیده که نوعی کم برآورد نمودن و ناچیز پنداشتن مشارکت زنان در کار تولیدی در این کشورها وجود دارد این ناچیز انگاشتن در بنگلادش و پاکستان نسبت به هند به طور عظیم تری آشکار می‌شود دلیل این امر در طبیعت جوامع روستایی سنتی است.

مشارکت زنان روستایی در ایران نیز در حال حاضر در سه قسمت از امور می‌باشد:

۱- مشارکت در اداره امور خانه و بچه‌داری و پرورش آنها، پخت و پز، نظافت و حفظ بهداشت خانه
 ۲- مشارکت در امور زراعی، دامی و تهیه فرآورده‌های دامی و هنرهای دستی و سنتی
 ۳- فعالیت در سایر امور روستاها، هدف زنان روستایی نیز در پیوستن به تشکل‌ها افزایش درآمد، گرفتن وام برای فعالیت‌های شغلی است. همچنین اینکه بتوانند در تصمیم‌گیری مشارکت جویند تا آزاد شوند استاندارد زندگی خویش را بالا ببرند. البته هم در تعاونی‌های زنان و هم در تعاونی‌های مختلط، مسائلی وجود دارند که قابل ملاحظه است، جدی‌ترین مشکلات که تعاونی‌های زنان روستایی اعم از تعاونی‌های کشاورزی و غیره با آن روبه‌روست عبارت است از فقدان تجربه، کمبود آگاهی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی، بازرگانی نارسایی‌های مربوط به مدیریت محدودیت امکانات مالی و بازاریابی و آموزش و بالاخره ناچیز بودن حمایت‌های مالی و فنی، هیچ دلیلی وجود ندارد که تعاونی‌های زنان نتوانند از مساعدت و تشویق که مردان از آن سود می‌برند برخوردار شوند.

اهم ویژگی‌های جامعه زنان روستایی که مشارکت آنها را در تشکل‌ها الزام‌آور می‌نماید

عبارتند از:

- نرخ بالای اشتغال: فعالیت‌های عمده بخش کشاورزی به عهده زنان روستایی است و بالاترین میزان اشتغال نیز به آنها اختصاص دارد، زنانی که در مزارع به کار کشاورزی، در مراتع به دامداری و در منزل به کار قالیبافی و تولید سایر صنایع دستی مشغولند و ماحصل کار آنان



کمک مؤثر و قابل توجهی به اقتصاد خانواده و روستاست.

- پایین بودن سواد: زنان روستایی با وجود فعال بودن در بخش‌های اقتصادی کشاورزی دامداری، صنایع دستی و خانگی از برنامه‌های آموزشی بهره چندانی نداشته‌اند. سطح سواد آنها پایین و از مهارت‌های حرفه‌ای کمی برخوردارند. طبق یکی از مطالعات فائو در برخی از کشورها ۸۰ درصد فعالیت‌های مربوط به تولید مواد غذایی توسط زنان انجام می‌شود در حالی که فقط ۲ تا ۸ درصد خدمات ترویجی در اختیار آنان قرار می‌گیرد. در ایران نیز طبق آخرین سرشماری انجام شده در سال ۱۳۷۵، ۶۲/۴ درصد از زنان روستایی با سواد بوده‌اند در واقع هنوز نیمی از جمعیت زنان روستایی خواندن و نوشتن ندارند و تحت آموزش رسمی کشور قرار نگرفته‌اند.

- پایین بودن سطح درآمد: زنان در تولید فرآورده‌های غذایی، صنایع دستی و محصولات نقدی سهم به‌سزایی دارند و ساعات قابل توجهی از زندگی آنان نیز صرف تأمین و تهیه این فرآورده‌های تولیدی می‌گردد با این حال یا اساساً در آمدی نصیب آنها نمی‌شود و یا در آمد ناچیزی به کارشان تعلق می‌گیرد که در انحصار آنها نبوده و در اختیار سرپرست خانوار که عمدتاً مرد است قرار داده می‌شود. به علاوه زنان چون عمدتاً به فعالیت‌های خود اشتغالی می‌پردازند و این نوع فعالیت‌ها نیز دارای ضوابط و شرایط معینی نیستند عموماً استحصال در آمد ناشی از این نوع کارها، بسیار اندک و ناچیز است. مضاف بر آنکه چون زنان در قالب تولیدکنندگان خود فعالیت می‌کنند، هم از جهت تهیه مواد و کالاهای اولیه و هم از نظر بازاریابی و پیدا کردن بازار فروش مناسب چندان موفق نبوده و عمدتاً دسترنج آنها نصیب سلف خران و واسطه‌گران می‌شود. در چنین شرایطی تنها راه برای اعاده حقوق و دسترنج واقعی زنان ایجاد تعاونی‌های تولید، توزیع و اعتبار است. تشکل زنان در قالب چنین تعاونی‌ها موجب می‌شود اولاً فرصت‌های شغلی بیشتر فراروی زنان قرار گیرد. ثانیاً آنها با اطمینان بیشتری در برابر تولیدکنندگان بزرگ مقاومت کنند و با آنها به رقابت برخیزند.

ویژگی‌های تشکل‌های اقتصادی، اجتماعی

برخی از ویژگی‌های تشکل‌ها عبارتند از:

- عضویت افراد در یک تشکل اقتصادی، اجتماعی داوطلبانه است. اعضاء باید با توجه به اهداف، اصول و نیازهای خود آزاد باشند که به تعاونی بپیوندند یا آن را ترک نمایند.
- یک تشکل اقتصادی باید به وسیله اعضایش اداره شود. به عبارتی یک تشکل اقتصادی مستقل از دولت، یا کارفرما و سرمایه دار بخشی خصوصی است.
- عضویت در یک تشکل اقتصادی به افراد حقوق و مسئولیت‌هایی می‌دهد که سایر اشکال اقتصادی نمی‌توانند بدهند و نمی‌دهند.
- خودیاری در داخل تشکیلات تعاونی‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد.
- دنباله خودیاری، کمک متقابل است. در واقع هر کس بخواهد مورد کمک قرار گیرد ابتدا

باید خود به کمک بپردازد.

- اعضای یک تشکل باید احساس تعلق و عضویت داشته باشند از این رو بهتر است تشکل‌ها کوچک بوده و اعضاء همدیگر را بشناسند و مسئولیت‌های لازم به عهده آنها گذاشته شود.
- تشکل‌ها باید بر روی انجام برنامه‌های آموزشی در بین اعضاء تأکید داشته باشند، اعم از آموزش تعاونی، آموزش‌های مهارتی و حرفه‌ای.

آمار کلی تعاونی‌های ثبت شده زنان کشور که در سیزده عنوان مختلف فعالیت می‌کنند (از بدو تأسیس تا پایان نیمه اول سال ۱۳۸۴)

ردیف	عنوان	تعداد	سرمایه (هزار ریال)	اعضاء	اشتغال
۱	کشاورزی	۳۵۰۰	۹۶۳۶۵۹۹۷	۲۹۲۲۱	۲۳۵۱۹
۲	عمرانی	۶۶	۴۵۱۷۳۲۰	۵۶۸	۵۹۱
۳	صنعتی	۳۴۶۷	۲۶۳۳۶۷۷۹	۴۳۹۴۲	۵۶۱۴۰
۴	معدنی	۴۵	۴۵۶۸۱۷۵	۴۰۷	۶۶۵
۵	فرش دستیاف	۷۷۸	۲۰۸۵۲۳۳۶	۸۱۵۱۰	۱۱۱۸۹۵
۶	تأمین نیاز تولید کنندگان	۳۴۶	۴۴۳۷۵۵۲	۷۶۲۸	۹۳۴۳
۷	خدمات	۳۵۲۳	۱۴۲۲۹۲۲۶۱	۳۹۸۷۳	۳۹۸۴۰
۸	حمل و نقل	۸۶	۱۸۲۸۷۶۰	۶۴۱	۵۷۶
۹	مسکن	۳۷۷	۱۶۰۴۳۲۰۰۴	۸۲۶۰۵	۰
۱۰	اعتبار	۱۲۶	۳۴۲۸۸۲۹۵	۲۹۰۶۱	۳۸۰
۱۱	تأمین نیاز مصرف کنندگان	۱۶۳	۱۳۶۶۱۷۹۵۱	۱۴۸۵۱۵	۸۳۵
۱۲	چند منظوره	۳۷۲	۳۶۹۳۸۹۹۹	۵۳۲۵۰	۸۹۹۹
۱۳	تأمین نیاز صنوف خدمات	۲۵	۷۷۳۶۸۰	۳۳۰	۱۸۶
۱۴	جمع کشور	۱۲۸۸۴	۹۰۷۲۵۰۰۰۸	۵۱۶۶۵۱	۲۵۲۹۶۰

(منبع: دفتر آمار و اطلاعات وزارت تعاون، ۱۳۸۴)

جامعه‌ی آماری مورد بررسی

جامعه‌ی آماری مورد بررسی تعاونی‌های زنان استان گلستان است که شامل چهار تعاونی در شهرستان‌های گرگان، بندر ترکمن، علی‌آباد و کردکوی می‌باشد. استان گلستان یکی از استان‌های شمالی کشور است که بین ۵۳ درجه و ۴۷ دقیقه تا ۵۶ درجه و ۱۷ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۸ دقیقه عرض شمالی واقع گردیده است، این استان از



شمال به کشور ترکمنستان، از جنوب به استان سمنان، از شرق به خراسان شمالی و از غرب به دریای خزر و استان مازندران محدود می‌شود، استان گلستان متشکل از ۷ شهرستان بنام‌های گرگان گنبد، بندر گز، ترکمن، کردکوی، علی‌آباد و مینودشت، ۱۶ شهر، ۱۶ بخش، ۴۵ دهستان، ۹۹۹ آبادی مسکونی و ۷۵ آبادی خالی از سکنه می‌باشد. مساحت کل استان ۲۰۳۸۰ کیلومتر مربع است و تراکم جمعیت در استان معادل ۷۳/۱۲ نفر در کیلومتر مربع می‌باشد، از لحاظ آب و هوا، استان گلستان در منطقه معتدله شمالی قرار گرفته که این عامل نقش مؤثری را در اقلیم استان به عهده دارد. این استان بین رشته‌کوه‌های البرز، دشت‌های جنوبی کشور ترکمنستان، کوه‌های استان خراسان شمالی و دریای خزر واقع شده است کوه شاهوار با ارتفاع ۳۹۴۵ متر بلندترین و نقاط ساحلی با ارتفاع ۲۶- متر پست‌ترین نقاط استان هستند میزان بارندگی سالانه استان بین ۲۰۰ تا ۷۵۰ میلی‌متر می‌باشد، از نظر ناهمواری استان گلستان به سه ناحیه تقسیم می‌شود که عبارتند از ناحیه کوهستانی که با وسعتی بیش از ۵۱۳ هزار هکتار مرز جنوبی استان را تشکیل می‌دهد. ناحیه کوهپایه‌ای با وسعتی بالغ بر ۲۷۰ هزار هکتار و ناحیه‌ی جلگه‌ای و اراضی پست دستی که وسعت آن معادل ۱۰۱۴ هزار هکتار می‌باشد این ناحیه به عنوان محل استقرار شهرها و اکثر روستاهایی استان می‌باشد و به لحاظ تراکم جمعیت، اراضی کشاورزی، صنایع و دامپروری از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. زبان مردم استان گلستان شامل زبان و گویش‌های متفاوتی است که عمده‌ترین آنها عبارتند از: مازندرانی، گرگانی، ترکمنی، ترکی، بلوچی و از عمده‌ترین محصولات استان می‌توان گندم، برنج، پنبه، آفتابگردان و نام برد.

روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری در این بررسی با توجه به محدود بودن نمونه‌ها روش همه شماری بوده است. با توجه به اینکه تعداد تعاونی‌های مختلف زنان چهار تعاونی و در شهرستان‌های گرگان، بندر ترکمن، علی‌آباد و کردکوی می‌باشد لذا کلیه‌ی اعضای پرسشنامه تکمیل نمودند و در کل ۳۴۸ پرسشنامه استخراج گردید.

روش گردآوری داده‌ها

روش گردآوری از نظر اجزاء جز روش‌های پنهانگر بوده روشی که اصطلاحاً به روش پیمایش یا پیمایش اجتماعی (social survey) معروف می‌باشد. شیوه‌ی گردآوری داده‌ها نیز مانند تمامی بررسی‌های اجتماعی معمول استفاده از پرسشنامه همراه با مصاحبه بوده است. ابتدا تمامی ملاک‌ها و شاخص‌های تعیین شده برای اندازه‌گیری متغیرها به صورت سؤال در پرسشنامه طراحی و تدوین گردید و سپس با توجه به پرسشنامه‌های تنظیم شده و با کمک مصاحبه‌استاندارد به تکمیل آنها پرداختیم، چرا که بسیاری از افراد نمونه ما به لحاظ نداشتن سواد یا پایین بودن سطح آگاهی و تحصیلات و همچنین عدم آشنایی به زبان فارسی قادر به

تکمیل فرم‌ها نبودند، لذا بایستی برای افراد کم‌سواد واژه‌ها نیز توضیح داده می‌شد. علاوه بر اینکه از شیوه‌ی پرسشنامه همراه با مصاحبه استفاده شده سعی شده تا از روش مشاهده‌ای نیز استفاده لازم به عمل آید.

تکنیک‌های مورد استفاده در توصیف و تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای اندازه‌گیری روابط میان متغیرها و آزمون معنی‌داری آنها و همچنین تحلیل و توصیف داده‌ها از تکنیک‌های مختلفی که در علوم اجتماعی متداول می‌باشد استفاده شده است. برای توصیف داده‌ها از جداول یک بعدی، توزیع فراوانی و درصد واقعی استفاده شده است. برای تبیین دو متغیری و بخش روابط میان متغیرها از آزمون کی دو (کاسکوئر) استفاده گردیده است. این فصل خود از دو بخش تشکیل یافته است: بخش نخست به توصیف یافته‌ها اختصاص دارد. در این راستا یکایک شاخص‌ها و معرف‌ها و سؤالات پرسشنامه که نوعاً ابزار و وسایل اندازه‌گیری متغیرهای مستقل و وابسته در این پژوهش هستند، توصیف شده است. همچنین عملیات بعدی، ترکیب و ادغام معرف‌های سازنده هر متغیر است. در این زمینه قدم اول رتبه دادن و تبدیل کیفیات به کمیات و ارزش‌گذاری شاخص‌ها و در نهایت جمع‌بندی و رسیدن به متغیر اساسی پژوهش است. تقریباً عموم متغیرها، چه مستقل و چه وابسته در سطح ترتیبی یا رتبه‌ای مورد سنجش واقع شده‌اند. اما بخش دوم؛ که به تبیین و آزمون فرضیات اختصاص دارد و در آن کیفیت ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته و نیز شدت و جهت ارتباط روشن خواهد شد.

بخش اول: توصیف یافته‌ها

مشخصات کلی روستای محل سکونت فرد، تأسیسات و امکانات موجود در روستا

افراد نمونه آماری در این پژوهش در سطح ۱۱ روستا، ۸ دهستان، ۶ بخش و ۴ شهرستان پراکنده بوده‌اند. مساحت نزدیکترین روستاها تا شهر ۳/۵ کیلومتر و دورترین روستا تا شهر ۲۵ کیلومتر عنوان گردیده است. از لحاظ تأسیسات و امکانات عمومی و اداری موجود در روستاها، اطلاعات به دست آمده بیانگر آن است که ۹۱/۷ درصد روستاها دارای حمام، ۴۹/۴ درصد دارای دبیرستان، ۹۰/۵ درصد دارای مدرسه راهنمایی، ۹۵/۴ درصد دارای دبستان، ۸۰/۲ درصد دارای تلفن راه دور، ۸۵/۱ درصد دارای خانه بهداشت، ۴۴/۳ درصد دارای کتابخانه روستایی، ۹۶/۶ درصد دارای برق، ۹۴ درصد دارای لوله‌کشی آب، ۲۱/۶ درصد دارای کارخانه آرد، ۹۱/۴ درصد دارای فروشگاه تعاونی، ۸۷/۹ درصد دارای خوار و بار فروشی، ۹۶/۳ درصد دارای مسجد، ۱۲/۹ درصد دارای مرکز خدمات روستایی، ۲۹/۹ درصد دارای خانه همیار، ۴۳/۴ درصد دارای دهداری، ۸/۶ درصد دارای خانه ترویج، ۹۰/۲ درصد دارای شورای اسلامی و ۱۷/۵ درصد دارای پاسگاه نیروی انتظامی می‌باشند.

تحصیلات فرد

اطلاعات به دست آمده در خصوص وضعیت تحصیلات فرد در قالب جدول شماره (۱) تنظیم گردیده است. همچنان که جدول نشان می‌دهد اکثریت فراوانی مربوط به کسانی است که تحصیلاتی ندارند (۲۷/۳ درصد). به طور کلی حدود ۶۵/۸ درصد تا مقطع راهنمایی و بی سواد بوده‌اند. توزیع پاسخگویان به لحاظ وضعیت سواد در جدول ذیل آمده است. اضافه می‌شود که حدود ۲ درصد افراد به این سؤال پاسخی نداده‌اند.

جدول (۱) - چگونگی توزیع پاسخگویان براساس تحصیلات آنها

تحصیلات فرد	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بی سواد	۹۵	۲۷/۳	۲۷/۳
ابتدایی	۸۱	۲۳/۳	۵۰/۶
راهنمایی	۵۳	۱۵/۲	۶۵/۸
متوسطه (دیرستان)	۴۰	۱۱/۵	۷۷/۳
دیپلم	۵۴	۱۵/۵	۹۲/۸
فوق دیپلم	۴	۱/۱	۹۴/۰
لیسانس	۱۳	۳/۷	۹۷/۷
فوق لیسانس و بالاتر	۱	۰/۳	۹۸/۰
بی پاسخ	۷	۲/۰	۱۰۰
جمع	۳۴۸	۱۰۰	-

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

به نظر شما تا چه حد افراد در کارهای گروهی و دسته جمعی مطالب تازه یاد می‌گیرند؟ یکی از شاخص‌های سنجش متغیر «تمایل به کار گروهی» این بود که از افراد مورد مطالعه پرسیم تا چه حد در کارهای گروهی و دسته جمعی مطالب تازه یاد می‌گیرند؟ «پاسخ‌های ارائه شده نشان می‌دهد که به نظر افراد مورد مطالعه میزان یادگیری مطالب در کارهای گروهی در حد زیاد می‌باشد (۳۵/۹ درصد). ۳۳/۳ درصد تا حدودی، ۲۲/۴ درصد بسیار زیاد را عنوان کرده بودند. تنها ۲/۶ درصد مجموعاً کم و بسیار کم را مطرح نموده بودند. حدود ۵/۷ درصد افراد به سؤال مربوطه پاسخی ندادند.

جدول (۲) - توزیع پاسخگویان بر اساس نظر آنها در زمینه‌ی میزان یادگیری مطالب تازه در کار گروهی

درصد	فراوانی	به نظر شما تا چه حد ...
۲۲/۴	۷۸	بسیار زیاد
۳۵/۹	۱۲۵	زیاد
۳۳/۳	۱۱۶	تا حدودی
۰/۹	۳	کم
۱/۷	۶	بسیار کم
۵/۷	۲۰	بی پاسخ
۱۰۰	۳۴۸	جمع

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

آیا عضو تعاونی هستید؟ تقریباً اکثریت قریب به اتفاق پاسخگویان عضو تعاونی بوده‌اند. جدول شماره ۳ گویای این مطلب است.

جدول (۳) - چگونگی توزیع پاسخگویان از نظر عضویت یا عدم عضویت در تعاونی

درصد	فراوانی	آیا عضو ...
۹۵/۱	۳۳۱	بلی
۰/۳	۱	خیر
۴/۶	۱۸	بی پاسخ
۱۰۰	۳۴۸	جمع

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

میزان رضایت از مسئولین فعلی تعاونی

طبق نتایج به دست آمده در این تحقیق میزان رضایت افراد مورد مطالعه از مسئولین فعلی تعاونی در حد کاملاً زیادی ارزیابی شده است (۴۲/۵ درصد) و تنها ۲/۶ درصد اعلام کرده‌اند که از آنها هیچ‌گونه رضایتی ندارند. ۲۷/۳ درصد در حد متوسط، ۱۵/۵ درصد در حد زیاد و ۳۸ درصد در حد کم اعلام نظر کرده‌اند. همچنین حدود ۳/۷ درصد به این سؤال پاسخی نداده‌اند.

جدول (۴) - توزیع پاسخگویان از نظر میزان رضایت آنها از مسئولین فعلی تعاونی

میزان رضایت	فراوانی	درصد
اصلاً	۹	۲/۶
کم	۲۹	۸/۳
متوسط	۹۵	۲۷/۳
زیاد	۵۴	۱۵/۵
کاملاً زیاد	۱۴۸	۴۲/۵
بی‌پاسخ	۱۳	۳/۷
جمع	۳۴۸	۱۰۰

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

آیا تعاونی با تقاضای زنان منطقه ایجاد شده است؟ داده‌های جدول شماره (۵) حاکی از آن است که حدود ۸۲/۸ درصد به سؤال فوق پاسخ مثبت داده‌اند. و تنها ۸/۹ درصد پاسخ منفی داده‌اند. همچنین حدود ۸/۳ درصد به سؤال مزبور پاسخی نداده‌اند.

جدول (۵) - توزیع نظر پاسخگویان در زمینه تقاضا یا عدم تقاضای ایجاد تعاونی از طرف آنها

آیا تعاونی	فراوانی	درصد
بلی	۲۸۸	۸۲/۸
خیر	۳۱	۸/۹
بی‌پاسخ	۲۹	۸/۳
جمع	۳۴۸	۱۰۰

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

تعداد دفعات شرکت در انتخابات تعاونی برای تعیین مدیران این سؤال که در پرسشنامه پژوهش آورده شده بود به عنوان یکی از شاخص‌های میزان مشارکت زنان در تعاونی، در نظر گرفته شده است. پاسخ‌های ارائه شده در قالب جدول شماره (۶) تنظیم شده است. همچنان‌که جدول نشان می‌دهد افراد مورد مطالعه اعلام کرده‌اند که اصلاً (۳۲/۸ درصد)، بین ۱ تا ۳ بار (۴۸/۸ درصد) و بالای ۳ بار (۱۸/۴ درصد) در انتخابات فوق‌الاشاره شرکت داشته‌اند.

جدول (۶) - توزیع افراد مورد مطالعه از نظر تعداد دفعات شرکت در انتخابات تعاونی درصد فراوانی تعداد دفعات ...

تعداد دفعات ...	فراوانی	درصد
اصلاً	۱۱۴	۳۲/۸
۱ تا ۳ بار	۱۷۰	۴۸/۸
بالای ۳ بار	۶۴	۱۸/۴
جمع	۳۴۸	۱۰۰

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

میزان استفاده از خدمات تعاونی (اعتبار، مواد اولیه، بازاریابی برای محصولات و ...) داده‌های جدول شماره (۷) نشان می‌دهد که اکثریت افراد مورد مطالعه اذعان داشته‌اند در حد متوسطی از خدمات تعاونی استفاده کرده‌اند (۳۴/۵ درصد). ۲۱/۳ درصد در حد کم و ۱۵/۸ درصد در حد زیاد از خدمات تعاونی استفاده نموده‌اند. در این میان ۲۲/۴ درصد اعلام کرده‌اند که از خدمات تعاونی به هیچ عنوان استفاده ننموده‌اند. همچنین حدود ۶ درصد افراد مورد مطالعه به این سؤال پاسخی نداده‌اند.

جدول (۷) - توزیع افراد براساس میزان استفاده از خدمات تعاونی

میزان استفاده از ...	فراوانی	درصد
اصلاً	۷۸	۲۲/۴
کم	۷۴	۲۱/۳
متوسط	۱۲۰	۳۴/۵
زیاد	۵۵	۱۵/۸
بی‌پاسخ	۲۱	۶
جمع	۳۴۸	۱۰۰

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

موانع موجود برای مشارکت زنان در تعاونی

افراد مورد مطالعه در برابر این سؤال که: «فکر می‌کنید چه موانعی برای مشارکت زنان در تعاونی وجود دارد؟» پاسخ‌های متنوعی را ارائه نمودند. بیشترین فراوانی مربوط به افرادی است که پاسخی نداده‌اند (۴۹/۱ درصد). ۲۰/۷ درصد به عدم آگاهی، ۱۵/۸ درصد به نداشتن قدرت مالی و ۸ درصد به کمبود وقت اشاره کرده‌اند. حدود ۶/۳ درصد نیز مواردی دیگر را برشمرده‌اند.

جدول (۸) - توزیع پاسخگویان براساس نظر آنها در زمینه موانع موجود برای مشارکت

موانع موجود ...	فراوانی	درصد
کمبود وقت	۲۸	۸
عدم آگاهی	۷۲	۲۰/۷
نداشتن قدرت مالی	۵۵	۱۵/۸
سایر موارد	۲۲	۶/۳
بدون پاسخ	۱۷۱	۴۹/۱
جمع	۳۴۸	۱۰۰

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

پیشنهاد برای مشارکت زنان در تعاونی

همچنان‌که جدول شماره (۹) نشان می‌دهد بیشتر پاسخگویان در برابر این سؤال که «برای مشارکت بیشتر زنان در تعاونی چه پیشنهاد دارید؟» پاسخی ارائه نکرده‌اند (۴۴/۸ درصد). ۲۱/۸ درصد ایجاد شغل، ۱۷/۲ وام و تسهیلات، ۷/۲ برگزاری جلسه، ۶/۶ برگزاری کلاس و ۲/۳ عمل به وعده‌ها را به عنوان پیشنهاد خود مطرح نمودند.

جدول (۹) - توزیع پاسخگویان براساس نوع پیشنهادات آنها برای مشارکت زنان در تعاونی

پیشنهادات برای ...	فراوانی	درصد
برگزاری جلسه	۲۵	۷/۲
برگزاری کلاس	۲۳	۶/۶
وام و تسهیلات	۶۰	۱۷/۲
ایجاد شغل	۷۶	۲۱/۸
وعده‌ها عملی شود	۸	۲/۳
بی‌پاسخ	۱۵۶	۴۴/۸
جمع	۳۴۸	۱۰۰

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

میزان اعتماد به دست‌اندرکاران تعاونی

داده‌های جدول حاکی از آن است که بیشترین پاسخگویان دارای اعتماد زیاد به دست‌اندرکاران تعاونی می‌باشند (۴۸/۴ درصد). حدود ۲۹/۵ درصد در حد متوسط به دست‌اندرکاران تعاونی اعتماد دارند. همچنین ۲۲/۱ درصد در حد کم به دست‌اندرکاران تعاونی اعتماد دارند. به طور کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که میزان اعتماد به دست‌اندرکاران تعاونی در نزد افراد نمونه آماری در حد زیادی اعلام گردیده است.

جدول (۱۰) - توزیع پاسخگویان براساس میزان اعتماد به دست اندرکاران تعاونی

میزان اعتماد ...	فراوانی	درصد
کم	۷۵	۲۲/۱
متوسط	۱۰۰	۲۹/۵
زیاد	۱۶۴	۴۸/۴
جمع	۳۳۹	۱۰۰

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

مشارکت در تعاونی

برای سنجش متغیر مشارکت در تعاونی از شاخص‌ها و معرف‌های ذیل استفاده گردید:

- ۱- تقاضای ایجاد تعاونی و طرح نیازهای خود و مسئولین؛
- ۲- حضور در جلسات تعاونی به منظور بحث درباره مسائل و اتخاذ تصمیم‌گیری؛
- ۳- شرکت در انتخابات به منظور گزینش مدیران تعاونی؛
- ۴- استفاده از خدمات تعاونی مانند اعتبار، خرید امکانات اولیه، بازاریابی برای محصولات و ...؛
- ۵- تمایل و قبول نامزدی و در صورت انتخاب شدن عمل کردن به وظایف محوله مانند مدیریت، صندوقداری و ...؛
- ۶- حمایت مالی از تعاونی و یا حداقل کمک به تقویت بنیه مالی آن از طریق خرید سهام؛
- ۷- میزان رضایت از حسن انجام امور.

بعد از ادغام شاخص‌های فوق به متغیر «میزان مشارکت در تعاونی» دست پیدا کردیم. جدول شماره ۱۱ حاکی از آن است که میزان مشارکت اکثریت افراد مطالعه در حد متوسط بوده است (۵۳ درصد). حدود ۳۳/۲ درصد در حد پائین و ۱۳/۱ درصد در حد بالا در تعاونی مشارکت داشته‌اند. سطح سنجش این متغیر نیز رتبه‌ای است.

جدول (۱۱) - توزیع پاسخگویان براساس میزان مشارکت در تعاونی

مشارکت در تعاونی	فراوانی	درصد
پائین	۱۱۴	۳۳/۹
متوسط	۱۷۸	۵۳
بالا	۴۴	۱۳/۱
جمع	۳۳۶	۱۰۰

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

بخش دوم: آزمون فرضیات

رابطه میان میزان اعتماد به دست‌اندرکاران تعاونی و مشارکت در تعاونی

یکی از فرضیه‌های پژوهش عبارت بود از:

«بین میزان اعتماد به دست‌اندرکاران تعاونی و مشارکت در تعاونی رابطه وجود دارد.»
و این فرضیه پشتوانه تئوریک داشت. همچنان که جدول شماره (۱۲) نشان می‌دهد توزیع فراوانی‌ها در خانه‌های جدول حکایت از تفاوت معنی‌داری دارد. به عبارت دیگر بین افراد با درجه‌ی اعتماد بالا به دست‌اندرکاران تعاونی و افرادی که اعتماد کمتری به آنان دارند از لحاظ میزان مشارکت در تعاونی تفاوت معنی‌داری مشاهده می‌شود. مجذور کای محاسبه شده نیز، بزرگتر از کای اسکوتر (= مجذور کای) جدول در سطح حتی ۱ درصد خطا با درجه‌ی آزادی ۴ می‌باشد که بین وجود ارتباط بین دو متغیر یاد شده است. گاما (ضریب همبستگی محاسبه شده) شدت و نوع این ارتباط را بیشتر از ۰/۵ و مستقیم نشان می‌دهد.

جدول (۱۲) - توزیع پاسخگویان براساس میزان اعتماد به دست‌اندرکاران تعاونی و مشارکت در تعاونی

میزان اعتماد / مشارکت در تعاونی	کم	متوسط	زیاد	جمع
پائین *	۴۲ ۳۷/۲ ۵۶	۴۶ ۴۰/۷ ۴۷/۴	۲۵ ۲۲/۱ ۱۵/۴	۱۱۳ ۳۳/۸
متوسط	۳۰ ۱۶/۹ ۴۰	۴۲ ۲۳/۷ ۴۳/۳	۱۰۵ ۵۹/۳ ۶۴/۸	۱۷۷ ۵۳
بالا	۳ ۶/۸ ۴	۹ ۲۰/۵ ۹/۳	۳۲ ۷۲/۷ ۱۹/۸	۴۴ ۱۳/۲
جمع	۷۵ ۲۲/۵	۹۷ ۲۹	۱۶۲ ۴۸/۵	۳۳۴ ۱۰۰

chi - square = 51/9

df = 4

$\chi^2_t = 9/49$ در سطح ۰/۵ خطا

Gamma = 0/52

$\chi^2_t = 13/28$ Kendall = ۰/۲ در سطح ۰/۰۱ خطا

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

* یادآوری: در هر خانه جدول عدد بالاتر تعداد، عدد بینابین درصد سطری و عدد پائین‌تر درصد ستونی است.

رابطه بین آگاهی اجتماعی و مشارکت در تعاونی

یکی از فرضیه‌های پژوهش عبارت بود از:

«بین آگاهی اجتماعی زنان و میزان مشارکت او در تعاونی رابطه وجود دارد.»

آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که بین متغیرهای آگاهی اجتماعی و مشارکت در تعاونی رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه H که ناظر بر وجود عدم ارتباط است، تأیید و پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر میزان مجذور کای محاسبه شده کوچکتر از مجذور کای جدول با درجه‌ی آزادی ۴ و در سطح ۰/۰۵ خطا است و بنابراین بین دو متغیر یاد شده اختلاف معناداری مشاهده نمی‌شود و وجود رابطه رد می‌گردد.

جدول (۱۳) - توزیع پاسخگویان براساس میزان آگاهی اجتماعی آنان و مشارکت در تعاونی

آگاهی اجتماعی / مشارکت در تعاونی	کم	متوسط	زیاد	جمع
پائین	۱۵	۵۶	۳۷	۱۰۸
	۱۳/۹	۵۱/۹	۳۴/۲	۳۳/۲
	۳۰	۳۵/۹	۳۱/۱	
متوسط	۳۱	۸۱	۶۴	۱۷۶
	۱۷/۶	۴۶	۳۶/۴	۵۴/۲
	۶۲	۵۱/۹	۵۳/۸	
بالا	۴	۱۹	۱۸	۴۱
	۹/۸	۴۶/۳	۲۳/۹	۱۲/۶
	۸	۱۲/۲	۱۵/۱	
جمع	۵۰	۱۵۶	۱۱۹	۳۲۵
	۱۵/۴	۴۸	۳۶/۶	۱۰۰

$$\text{chi-square} = \chi^2 c = 2/31$$

$$df = 4$$

$$\chi^2 t = 9/49 \text{ در سطح } 5\% \text{ خطا}$$

$$\text{Gamma} = 0/06$$

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

رابطه بین میزان دخالت در تصمیم‌گیری و مشارکت در تعاونی

فرضیه دیگر پژوهش عبارت بود از:

«بین میزان دخالت در تصمیم‌گیری و مشارکت در تعاونی رابطه وجود دارد.»

آزمون آماری انجام گرفته نشان از عدم وجود ارتباط بین دو متغیر یاد شده و لذا عدم تأیید فرضیه مذکور را دارد. به عبارت دیگر با توجه به کای اسکوئر محاسبه شده که کوچکتر از کای اسکوئر جدول در سطح ۵ درصد معناداری است، فرض پذیرفته شده است.

جدول (۱۴) - توزیع پاسخگویان بر اساس میزان دخالت در تصمیم‌گیری و مشارکت در تعاونی

دخالت در... مشارکت در تعاونی	کم	متوسط	زیاد	جمع
پائین	۱۳	۵۶	۸	۷
	۱۶/۹	۷۲/۷	۱۰/۴	۳۱/۲
	۴۳/۳	۲۹/۹	۲۶/۷	
بالا	۱۷	۱۳۱	۲۲	۱۷۰
	۱۰	۷۷/۱	۱۲/۹	۶۸/۸
	۵۶/۴	۷۰/۱	۷۳/۳	
جمع	۳۰	۱۸۷	۳۰	۲۴۷
	۱۲/۱	۷۵/۷	۱۲/۱	۱۰۰

$\text{chi-square} = \chi^2_c = 2/47$

$df = 4$

$\chi^2_t = 5/99$ در سطح ۵٪ خطا

$\text{Gamma} = 0/2$

$\chi^2_t = 4/61$ در سطح ۱۰٪ خطا

$\chi^2_t = 1/39$ در سطح ۵۰٪ خطا

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

رابطه بین پایگاه اجتماعی زن روستایی و مشارکت در تعاونی

یکی از فرضیه‌های پژوهش عبارت بود از:

«بین پایگاه اجتماعی زن روستایی و مشارکت او در تعاونی رابطه وجود دارد.»

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل‌های آماری حاکی از آن است که این رابطه نیز تأیید نگردیده است. به عبارت دیگر بین پایگاه اجتماعی بالا و پائین و میزان مشارکت در تعاونی رابطه معناداری مشاهده نشده است.

مجذور کای محاسبه شده تصدیق‌کننده این امر است. اضافه می‌شود مجذور کای محاسبه شده مساوی ۳/۱۶۲ و مجذور کای جدول در سطح ۵ درصد خطا با درجه‌ی آزادی ۴ مساوی با ۹/۴۵ می‌باشد.

جدول (۱۵) - توزیع پاسخگویان بر اساس پایگاه اجتماعی آنها و مشارکت در تعاونی

پایگاه ... مشارکت در تعاونی	کم	متوسط	زیاد	جمع
پائین	۴۹	۵۱	۱۴	۱۱۴
	۴۳	۴۴/۷	۱۲/۳	۳۳/۹
	۳۵/۵	۳/۲	۲۴/۶	
		۶		
متوسط	۷۱	۱/۷	۳۶	۱۷۸
	۳۹/۹	۳۹/۹	۲۰/۲	۵۳
	۵۱/۴	۵۰/۴	۶۳/۲	
بالا	۱۸	۱۹	۷	۴۴
	۴۰/۹	۳/۲	۱۵/۹	۱۳/۱
	۱۳/۱	۱۳/۴	۱/۲	
جمع	۱۳۸	۱۴۱	۵۷	۳۳۶
	۴۱	۴۲	۱۷	۱۰۰

$$\text{chi-square} = \chi^2 c = 3/162$$

$$df = 4$$

$$\chi^2 t = 9/45 \text{ در سطح } 5\% \text{ خطا}$$

$$\text{Gamma} = 0/06$$

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

رابطه بین تمایل به کار گروهی و مشارکت در تعاونی

یکی از فرضیه‌های پژوهش عبارت بود از:

«بین تمایل به کار گروهی و میزان مشارکت در تعاونی رابطه وجود دارد.»

همچنان که از نحوه توزیع داده‌ها در جدول متقاطع شماره (۱۶) استنباط می‌شود، رابطه فوق تأیید گردیده است. به عبارت دیگر محاسبه مجذور کان نشان داد که رابطه فوق یک رابطه معناداری است. ضریب همبستگی گاما میزان و شدت این ارتباط را ۰/۳ در صد نشان می‌دهد. بنابراین ارتباط مستقیم بوده و میزان آن کمتر از حد متوسط به دست آمده است.

جدول (۱۶) - توزیع پاسخگویان براساس میزان تمایل به کار گروهی و مشارکت در تعاونی

تمایل به ... مشارکت در تعاونی	کم	متوسط	زیاد	جمع
پائین	۵	۳۳	۶۹	۱۰۷
	۴/۷	۳۰/۸	۶۴/۵	۳۳/۲
بالا	۳	۴۸	۱۶۴	۲۱۵
	۱/۴	۲۲/۳	۷۶/۳	۶۶/۸
جمع	۸	۸۱	۲۳۳	۳۲۲
	۲/۵	۲۵/۱	۷۲/۴	۱۰۰

chi - square = $\chi^2 c = 6/48$

df = 2

$\chi^2 t = 5/99$ در سطح ۵٪ خطا

Gamma = 0/3

kendall = 0/1

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

رابطه میان انگیزه و میل به پیشرفت و مشارکت در تعاونی

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل‌های آماری و آزمون آماری معناداری مجذور کا، نشان می‌دهد که بین دو متغیر فوق رابطه‌ای وجود ندارد و لذا این رابطه رد گردیده است. به عبارت دیگر نمی‌توان بیان داشت که بین افراد با انگیزه و میل به پیشرفت بالا و افراد با انگیزه و میل به پیشرفت پائین از نظر سطح مشارکت اختلاف معناداری وجود دارد.

جدول (۱۷) - توزیع پاسخگویان براساس میزان انگیزه و میل به پیشرفت و میزان مشارکت در

تعاونی

انگیزه و ... مشارکت در تعاونی	کم	زیاد	جمع
پائین	۵۳	۳۱	۸۴
	۶۳/۱	۳۶/۹	۳۱/۷
متوسط	۸۴	۶۰	۱۴۴
	۵۸/۳	۴۱/۷	۵۴/۳
بالا	۱۷	۲۰	۳۷
	۴۵/۹	۵۴/۱	۱۴
جمع	۱۵۴	۱۱۱	۲۶۵
	۵۸/۱	۴۱/۹	۱۰۰

chi - square = $\chi^2 c = 3/1$

df = 2

$\chi^2 t = 5/99$ در سطح ۵٪ خطا

Gamma = 0/1

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

خلاصه یافته ها

- براساس نتایج به دست آمده بیشترین تعداد افراد ۳۵/۹ درصد در گروه سنی ۲۹ تا ۴۴ سال قرار دارند که کمترین تعداد ۲۵ درصد در گروه سنی ۵۹ تا ۷۴ سال قرار دارند.
- از نظر وضعیت تأهل ۷۵/۱ درصد متأهل و ۲۱/۹ درصد مجرد بوده‌اند.
- از نظر تحصیلات ۲۷/۳ درصد بی سواد و ۲۳/۳ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۵/۲ درصد دارای تحصیلات راهنمایی، ۱۵/۵ درصد دیپلم، ۱۱/۵ درصد دارای تحصیلات متوسطه، ۱/۱ درصد فوق دیپلم، ۳/۷ درصد لیسانس، ۰/۰۳ درصد نیز فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند.
- ۱۷/۵ درصد پاسخگویان اعلام داشته‌اند به غیر از خانه‌داری به خیاطی و کارهای هنری می‌پردازند و ۱۶/۷ درصد نیز اعلام داشته‌اند به غیر از خانه‌داری به کار کشاورزی اشتغال دارند که به ترتیب بیشترین مشاغل است که به غیر از خانه‌داری به آن مشغولند.
- از نظر تحصیلات همسر ۲۲/۱ درصد اعلام داشته‌اند که بی سواد هستند، ۱۶/۱ درصد دارای تحصیلات راهنمایی، ۱۴/۷ درصد ابتدایی، ۱۰/۳ درصد نیز دیپلم بوده‌اند. ۲۱/۳ درصد پاسخگویان نیز به جهت مجرد بودن به سؤال فوق پاسخ نداده‌اند.
- ۳۹/۱ درصد پاسخگویان یعنی بیشترین تعداد اعلام داشته‌اند که شغل همسرانشان کشاورزی و دامداری بوده است، ۱۵/۸ درصد کارورز، ۸/۹ درصد کارگر، ۶ درصد آزاد.
- از نظر داشتن رادیو ۸۰/۵ درصد دارای رادیو بوده‌اند و ۱۴/۹ درصد فاقد رادیو بوده‌اند.
- ۹۲/۸ درصد پاسخگویان در منزل تلویزیون داشته‌اند، ۳/۷ درصد نیز فاقد تلویزیون بوده‌اند.
- ۵۲ درصد پاسخگویان اعلام داشته‌اند جهت تحصیل فرزندان عمدتاً زن و شوهر با هم تصمیم می‌گیرند.
- در رابطه با سازگاری فعالیت‌های تعاونی و مسئولین آن با نیازهای زنان ۳۳ درصد اعلام کرده‌اند. این سازگاری در حد متوسط است ۲۸/۲ درصد اعلام کرده‌اند کاملاً سازگاری دارد. کمترین تعداد که ۳/۷ درصد است اعلام کرده‌اند که اصلاً سازگاری ندارد.
- در رابطه با میزان رضایت از اقدامات سازمان ایجاد کننده تعاونی ۳۳ درصد اعلام کرده‌اند که کاملاً رضایت داریم. ۵/۷ درصد نیز اعلام داشته‌اند که اصلاً رضایت نداریم.
- ۴۲/۵ درصد پاسخگویان اعلام کرده‌اند رضایتشان از مسئولین تعاونی کاملاً زیاد است و ۲۷/۳ درصد نیز بیان داشته‌اند که به طور متوسط رضایت دارند و ۲/۶ درصد نیز گفته‌اند که رضایت ندارند.
- از نظر اینکه تعاونی با تقاضای زنان منطقه ایجاد شده است یا نه؟ ۸۲/۸ درصد اعلام کرده‌اند که با تقاضای زنان بوده است و ۸/۹ درصد نیز پاسخ منفی داده‌اند.
- ۸۰/۵ درصد افراد گفته‌اند که در جلسات تعاونی شرکت می‌کنند و ۱۳/۵ درصد نیز پاسخشان منفی بوده است.
- اکثریت افراد مورد مطالعه بیان داشته‌اند در حد متوسطی از خدمات تعاونی استفاده

کرده اند (۳۴/۵ درصد و ۱۸/۵ درصد نیز گفته اند از خدمات تعاونی زیاد استفاده کرده اند. ۷۹/۹ درصد پاسخگویان اعلام داشته اند برای تشکیل تعاونی کمک مالی نموده اند، ۱۵/۸ درصد نیز پاسخ منفی داده اند.

- در مورد رضایت از نحوه کارها در تعاونی ۳۳ درصد اعلام کرده اند نحوه رضایت آنها از تعاونی زیاد است، ۴۲/۲ درصد نیز در حد متوسط رضایت دارند، ۱۵/۸ درصد نیز گفته اند رضایت کمی دارند.

- در مورد موانع موجود برای مشارکت زنان در تعاونی اکثریت افراد ۴۹/۱ درصد پاسخ نداده اند، ۲۰/۷ درصد عدم آگاهی را از موانع مشارکت زنان در تعاونی دانسته اند، ۱۵/۸ درصد نیز نداشتن قدرت مالی را عنوان نموده اند.

- در رابطه با پیشنهاد برای مشارکت زنان در تعاونی ۴۴/۸ درصد پاسخ نداده اند، ۲۱/۸ درصد ایجاد شغل را پیشنهاد کرده اند، ۱۷/۲ درصد وام و تسهیلات را پیشنهاد نموده اند، ۶/۶ درصد برگزاری کلاس، ۷/۲ درصد برگزاری جلسه و ۲/۳ درصد نیز گفته اند وعده ها عملی شود.

- ۴۸/۴ درصد میزان اعتماد خود را به دست اندرکاران تعاونی زیاد اعلام کرده اند، ۲۹/۵ درصد در حد متوسط و ۲۲/۱ درصد گفته اند میزان اعتمادشان به دست اندرکاران تعاونی کم است.

با توجه به تجزیه و تحلیل داده ها، نتایج زیر بدست آمده است:

۱- بین میزان اعتماد به دست اندرکاران تعاونی و مشارکت در تعاونی رابطه وجود دارد.

۲- بین تمایل به کار گروهی و مشارکت در تعاونی رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری

مشارکت زنان در تصمیم گیری ها از اهم شاخص های فعالیت زنان می باشد و در قالب تشکل ها این امکان برای زنان پیش می آید که نگاه تبعیض آمیز به حداقل می رسد و موجبات رشد و ترقی اجتماعی و اقتصادی و به تبع آن اعتماد به نفس، خلاقیت و خودباوری در زنان ایجاد می گردد از طرف دیگر بازتاب عملی تشکل ها که همانا نگرش نگاه دموکراتیک و اشاعه فرهنگ مشارکت است در خانه و خانواده تأثیر به سزایی در جامعه پذیری فرزندان به عنوان نسل آینده و شهروندان خواهد داشت فعالیت زنان در تشکل ها علاوه بر ارتقاء سطح آگاهی عمومی جامعه، فرصتی پیش خواهد آورد که این افراد به سرمایه و مدیریت در زمینه اشتغال دست یابند.

پیشنهادات

۱- با توجه به اینکه در این پژوهش رابطه بین میزان اعتماد به دست اندرکاران تعاونی و مشارکت در تعاونی مورد تأیید واقع گردیده و شدت رابطه نیز بالاتر از متوسط بوده لذا پیشنهاد می گردد در جهت افزایش این اعتماد اقدامات لازم مبذول گردد. گر چه شناسایی عوامل و

متغیرهای تأثیرگذار بر اعتماد خود پژوهشی مستقل را می‌طلبد ولی قدر مسلم اینکه اعتمادسازی نیازمند برنامه‌ریزی و بسترسازی مناسب است که توجه ویژه مسئولین و دست‌اندرکاران را طلب می‌کند.

۲- همچنین در این پژوهش چون رابطه بین تمایل به کار گروهی و مشارکت در تعاونی مورد تأیید واقع گردیده لذا عمده‌ی سرمایه‌گذاری باید در جهت افزایش این تمایل صورت گیرد. در اینجا نیز شناسایی متغیرها و پارامترهای تأثیرگذار بر افزایش میزان تمایل به کار گروهی نیازمند پژوهشی مستقل است که در صورت اخیر خود به عنوان متغیر وابسته منظور نظر قرار می‌گیرد. با این وجود رسانه‌های گروهی، کیفیت اجتماعی شدن افراد، متغیرهای مادی و اقتصادی، نوع ارزش‌های حاکم بر جامعه و غیره به عنوان مکانیزم‌های تأثیرگذار قابل بحث و بررسی و تأمل می‌باشند.

۳- هیچ تحقیقی به معنی علمی کلمه بی‌مقدمه و بی‌مؤخره یا به عبارت دیگر اولین و آخرین و بی‌نقص از تحقیقات قبلی نبوده و نیست. تصمیم‌گیری جامع، برنامه‌ریزی منطبق بر واقع و دقیق نیازمند آگاهی کافی و وافی نسبت به «وضعیت موجود» هر پدیده‌ای است. براین اساس جامع‌نگری و احاطه‌ی به موضوع خود به خود ضرورت انجام تحقیقات مکمل را نمایان می‌سازد. مطالعه و بررسی نگرش افراد جامعه نسبت به زنان به طور کلی و زنان روستایی به خصوص، مطالعه نظام سیاسی و نقش آنان در میزان حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی اقتصادی، بررسی نقش و کیفیت شکل‌بندی ارزشی و نظام چشمداشت‌ها از جمله این موضوعات است. ترکیب نتایج حاصل از این تحقیقات روشن‌کننده راهی است که باید پیموده شود و مواد اولیه‌ای است که می‌تواند در اختیار هر برنامه‌ریز مسئول قرار گیرد.

۴- با توجه به اینکه میزان مشارکت افراد مورد مطالعه در تعاونی در حد متوسطی به دست آمده است و برای تبیین این موضوع به علل و عوامل تأثیرگذار بر آن پرداختیم و در این راستا تنها دو فرضیه مورد تأیید واقع شد پیشنهاد می‌شود در تحقیقی جداگانه با یک چهارچوب کارکرد گرایانه، مطالعه‌ای در زمینه کارکردهای مشارکت؛ کیفیت مقاومت در برابر تغییر، میزان مسئولیت‌پذیری، کیفیت نوآرانه و وضعیت همبستگی اجتماعی و غیره با هدف تبیین کارکردی موضوع به انجام رسد. در واقع این نگرش و عنایت به این موضوع ما را به نوعی دیگر از تبیین مسأله و در نتیجه شناخت جامعه آن یاری می‌رساند.

۵- عدم وجود هر نوع ارتباط معنی‌داری بین متغیرهای مستقل؛ انگیزه و میل به پیشرفت، آگاهی اجتماعی، میزان وابستگی زن به شوهر، میزان دخالت در تصمیم‌گیری امور خانواده و پایگاه اجتماعی زن و مشارکت به عنوان متغیر وابسته، اذعان‌کننده این نکته مهم است که هرگونه سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی بر روی این متغیرها با هر توجیه و هدفی که صورت پذیرد لزوماً افزایش مشارکت را حداقل در این جامعه خاص و با فرض روایی و پایایی این تحقیق، در پی نخواهد داشت. این نکته خود به خود باعث صرفه‌جویی در زمان و هزینه‌ها خواهد شد.

منابع

- ۱- انگبرگ، ل (۱۳۷۷). «نقش خانوارهای روستایی و تخصیص منابع در توسعه»، مترجم: غلامحسین صالح‌نسب، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
- ۲- لینگ، چی ران (۱۳۷۵). «مشارکت زنان در تعاونی‌ها»، ترجمه: پروین معروفی، تهران: نشر هدی.
- ۳- ماهنامه‌ی تعاون (۱۳۸۵)، شماره‌ی ۱۸۰، شهریورماه
- ۴- میرمعزی، ف (۱۳۸۴)، «عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تشکیل تعاونی‌های اشتغال‌زا»، زنجان، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان.
- ۵- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، «سرشماری عمومی نفوس و مسکن». تهران: مرکز آمار ایران.
- ۶- وزارت تعاون (۱۳۸۰)، «آشنایی با تعاونی‌های زنان». تهران: وزارت تعاون، روابط عمومی و بین‌الملل.

7- Nelson, N and wright s . (1995) , " power and participatory Development : Theory and practice". London : IT publications .

8- Oakley p, et al . (1991) , " protects with people : the practice of participation in Rural Development". Geneva:ILO